



## دمیدن روح توحیدی در تربیت اسلامی و دستیابی به حیات طیبه

یک کارشناس امور دینی و خانواده با بیان اینکه توجه به روح توحیدی رسیدن به حیات طیبه را برای انسان بسیار هموارتر می‌کند، گفت:

یک کارشناس امور دینی و خانواده با بیان اینکه توجه به روح توحیدی رسیدن به حیات طیبه را برای انسان بسیار هموارتر می‌کند، گفت: والدین پیش از به دنیا آوردن فرزند و مربی پیش از مربی شدن باید خود را در مسیر تربیت دینی قرار دهند. روح تربیت دینی توحید است و مغز آن محسوب می‌شود اما گاهی ما در پوسته‌ها باقی می‌مانیم.

تربیت اسلامیهشتم اسفند سالروز تأسیس نهاد مقدس امور تربیتی، یادگار گرانقدر شهیدان رجایی و باهنر در مدارس است. از جمله اهداف تشکیل این نهاد پرورشی در مدارس انتقال ارزش‌های دینی و فرهنگی انقلاب اسلامی به مدارس، تربیت و بازسازی دانش‌آموزان در فضایی انقلابی و اسلامی، زمینه‌سازی برای ورود نگرش‌های دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به نظام آموزش و پرورش و حفظ مدارس از آفات فرهنگی و سیاسی، شناخت و پرورش استعدادها و دانش‌آموزان در رشد دینی، عقلی، اجتماعی، عاطفی آنان و حفظ ارزش‌ها و ... بود. طی سال‌های اخیر نیز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با هدف تربیتی تدوین و در دستور کار مدارس قرار گرفت.

اما مسیر تربیت پر فراز و نشیب‌تر از آن است که اولیای مدارس بتوانند به تنهایی این راه را بیمایند. در این مسیر مشارکت خانواده، رسانه و جامعه نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما آیا این ارکان مهم تربیتی با ابعاد تربیت و شیوه‌های صحیح آن آشنا هستند.

ایکن‌ا برای پاسخ به این پرسش و نگاهی به مسیر صحیح تربیت اسلامی به گفت‌وگو با صدیقه سلیمانی، استاد دانشگاه و کارشناس حوزه دین و مسائل خانواده پرداخته است که در ادامه مطالعه می‌کنید.

تربیت اسلامی / منتظر تایید

ایکن‌ا- پایه‌های تربیت از کجا شکل می‌گیرد؟

وقتی در مورد تربیت و انسان صحبت می‌کنیم می‌دانیم که خداوند یک سری قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی را در جان و جسم انسان قرار داده است تا بتواند آن را به کمال مطلوب خود برساند. هر انسانی متناسب با کوشش خود و با همکاری دیگران می‌تواند این ظرفیت‌ها را بالفعل و بخشی از آن را تصحیح، تعدیل، تقویت و یا هدایت کند. بنابراین تربیت امری است که خداوند در وجود هر انسانی قرار داده است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد.

ایکن‌ا&ndash; چه عواملی بیشترین تأثیر را در روند تربیت دارند؟

یکی از این علل و عوامل محیط بیرونی و نقش مربی برای متربی است که چگونه کمک‌رسانی کند تا بتواند قابلیت‌های بالقوه‌ای که در وجود فرد هست را بالفعل کند.

والدین و خانواده در درجه اول مهم‌ترین مربیان کودک هستند؛ سپس وقتی کودک وارد زندگی و محیط اجتماعی می‌شود، مدارس نقش اساسی را در کنار والدین برای تربیت بر عهده دارند. از همین‌جا معلوم می‌شود که معنای تربیت چیست و نقش مربیان چیست و به چه کسی مربی می‌گویند. پدر و مادر نیز به نوعی مربی محسوب می‌شوند؛ فضای خانواده، محیط اجتماعی و معلمان به نوعی مربی هستند. گرچه مسئولیت‌ها و دامنه‌وظایف و میزان اثرگذاری همه این مربیان یکسان نیست اما در روند تربیت اثرگذاری جدی دارند.

از طرف دیگر باید بدانیم که تربیتی که خداوند برای تسهیل، تعدیل و هدایت در وجود هر انسان گذاشته، در چه نقطه‌ای به آن خواهد رسید.

ایکن‌ا&ndash; خروجی تربیت صحیح چیست؟

این نقطه جایی است که ما بتوانیم خود را به مفهومی برسانیم که قرآن کریم با عنوان حیات طیبه از آن یاد می کند. حیات طیبه در یک معنای بسیار ساده یعنی مدلی از زندگی که هم در این دنیا سالم و رو به تعالی باشد و هم نتیجه آن در دنیای آخرت انسان را به سمت تعالی برساند. به بیان دیگر مسیری است که فرد در مسیر انسان کامل قرار گیرد. بنابراین وقتی ما می خواهیم که به این هدف برسیم طبیعتاً باید از یک منبع موثقی که انسان را به خوبی می شناسد تبعیت کنیم. این منبع موثق و اصیل، قرآن کریم، سنت، روایات و سیره اهل بیت(ع) است. خالق انسان با تمام شناختی که بر روی همه ابعاد انسان دارد راه را در قرآن کریم به انسان ها نشان داده است و تمام ابعاد زندگی را در قرآن کریم بیان کرده و روایات نیز این آیات را تبیین می کند و سیره اهل بیت(ع) نیز به صورت عملیاتی و کاربردی آن را نشان می دهد.

ایکنا - چگونه می توان در مسیر حیات طیبه قرار گرفت؟

نکته مهم این است که اگر می خواهیم در مسیر حیات طیبه قرار بگیریم باید از قرآن کریم که منبع اصیل است استفاده کنیم. قرآن کریم در ابعاد مختلف انسان را مورد توجه قرار داده است. چند بعد و ساحت برای انسان است که در تربیت باید به همه این ابعاد توجه کنیم. برای مثال وقتی از تربیت اسلامی یا دینی صحبت می شود استنباط ها اینگونه است که صرفاً به احکام دینی بسنده کنیم؛ یعنی اگر می خواهیم که فرزند خود را تربیت دینی کنیم مقید باشیم که احکام دینی را برای او جا بیندازیم.

برای مثال جشن تکلیف از برکات نگاه تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگی بسیار خوب و ارزشمند در جامعه است که خصوصاً در مدارس متداول شده است. این اقدام بسیار پسندیده است و امیدوارم تداوم داشته باشد اما باید در این کارها دقت نظر وجود داشته باشد تا به تربیتی برسیم که تمام جنبه ها را شامل شود زیرا تک جنبه ای نیست.

کلمه تکلیف از تکلف به معنای سختی می آید و استفاده از این واژه در کنار واژه جشن خوش سلیقگی نیست. تکلیف بیشتر بر احکام تمرکز دارد. اینکه احکام چه فوایدی دارد در جای خود مهم است اما در احکام سختی هایی برای یک کودک ۹ ساله وجود دارد و ما این بار را برای او اضافه می کنیم. اگر به جای جشن تکلیف، جشن تشریف گفته شود نگاه چند جانبه ای که در موضوع تربیت وجود دارد را بیشتر و دقیق تر بیان می کند. بنابراین لازم است بر روی جزئیات تمرکز کنیم تا نوع تربیت ما چند ساحتی شود.

ایکنا- ساحت های تربیت چیست؟

قرآن کریم وقتی در رابطه با انسان ها صحبت می کند به رویکردهایی که انسان در زندگی خود می تواند داشته باشد توجه می کند که یکی از آنها بحث اعتقادی، اخلاقی و دینی و احکام است. بُعد دوم، اجتماعی بودن انسان است که بسیار مهم است. مبانی سیاسی و اجتماعی در هم تنیده است و نمی توان آنها را از هم جدا کرد. سومین بعد، اقتصاد و معیشت انسان است که بخش مهمی از زندگی هر فردی محسوب می شود که باید از کودکی به آن توجه شود.

بعد چهارم، علم و فناوری است که از همان کودکی سعی می کنیم، فضایی برای کودکانمان فراهم کنیم تا از لحاظ علمی و دانشی بتوانند رشد خوبی داشته باشند. بعد پنجم، بعد هنری است که به زیبایی شناسی توجه دارد و بعد ششم، زیستی، جسمانی و بدنی است که در همه این شش ساحت باید تربیت لحاظ شود اما گاهی وقتی صحبت از تربیت دینی می شود گویی منظور فقط بعد اول است در حالی که دین برای همه این شش ساحت و استانه بحث و نظر دارد و اهمیت آن را بیان کرده است.

در مدارس برای تربیت دینی بسیار تلاش شده است اما اوج مؤثر بودن آن زمانی است که وقتی بچه وارد فضای آموزشی می شود و این محیط را تجربه می کند، تمام این ساحت ها را با رنگ و بوی دینی مشاهده کند. رنگ و بوی دینی یعنی اصولی که دین به عنوان راه و رسم زندگی به ما آموخته است. ولی اگر این موضوع فقط به قسمت کلاس های درس دینی و بینش اسلامی و کتاب های درسی مرتبط محدود شود، صرفاً تعلیم است و تربیت محسوب نمی شود. باید این مفاهیم در درس های مختلف وجود داشته و همه جانبه باشد تا تأثیرگذار باشد. ما در تربیت نیاز داریم که این مفاهیم دینی به سایر دروس دانش آموزان و حتی زمان ورزش و استراحت و خواب آنان نیز راه پیدا کند و عمل مربیان را نیز در این زمینه مشاهده کنند. در عرصه تربیت دانش آموزان طی سال های گذشته تلاش های خوبی انجام شده است اما همه جانبه بودن و توجه به ساحت های مختلف باید بیش از پیش مورد توجه باشد.

ایکنا - مهم ترین موضوع در تربیت دینی چیست؟

مهم ترین موضوع در تربیت دینی این است که بتوانیم این ساحت را به اعتدال نگه داریم. اعتدال یک موضوع بسیار پایه ای در مسئله تعلیم و تربیت است و باید از افراط و تفریط پرهیز کرد. برخی دانش آموزان در بعد علمی بسیار قوی اما در بعد روابط

اجتماعی ضعیف هستند. گاهی دانش آموز در بعد دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار است اما به سلامت جسمی خود توجهی ندارد.

علی رغم شکوفایی هایی که در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی می بینیم برخی موضوعات مغفول مانده است. شکوفایی مربوط به زمانی است که همه ابعاد تربیتی اعم از اعتقادی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، علمی، هنری بچه ها رشد پیدا کرده است اما وقتی که مجموع اینها را می بینیم انگار تربیت دینی هنوز به جایی نرسیده است که انسان احساس آرامش کند و حس کند که همه چیز در سرجای خود است و اعتدال وجود دارد.

عدم اعتدال امروز در روند تربیت نگران کننده شده است. بچه ها در مفاهیم بعد اقتصادی بسیار پیشرفت کرده اند. برای مثال چند روز پیش کودکی برای من از نحوه پس انداز برای خرید یک ماشین بهتر از سوی پدرش صحبت می کرد. اما تربیت دینی نمی گوید که فقط به معیشت و اقتصاد توجه کنید، بلکه مفهوم قناعت را هم در دل خود دارد. قناعت موضوعی است که باید نسبت به آن بیشتر توجه کرد. قرآن کریم می فرماید «کلوا وشربوا ولا تسرفوا» که بیان کننده حد وسط و اعتدال در مصرف گرایی است. شاید سخت ترین مسائلی که امروزه برای تربیت صحیح جوانان و نوجوانان در بعد اقتصادی باید مورد توجه داشته باشیم در رابطه با مفهوم اعتدال در جنبه اقتصادی است تا از این سو و آن سوی نیفتیم. قناعت گوشواره چهره اقتصادی تربیت است که باید بدان توجه داشته باشیم.

در بعد ورزشی و فعالیت های هنری نیز باید گفت که یکی از بهترین فواید بازی های رایانه ای که بچه ها انجام می دهند، افزایش سرعت عمل، خلاقیت، ریسک پذیری، تمرکز، دست ورزی و چشم ورزی است اما وقتی کودک از هر نوع بازی استفاده کند و درگیر خشونت بازی شود، با ساخت های دیگر تربیت که سلامت جسمی و زیبایی شناسی است، تعارض پیدا می کند و این بی تعادلی تبدیل به ضد تربیت می شود.

مورد دیگر اینکه مناسبات سیاسی و اجتماعی در جامعه بسیار رشد پیدا کرده و افراد اهل نظر و درک بالا شده اند که بسیار ارزشمند است اما اگر در کنار آن نسبت به جنبه های اعتقادی که اصیل ترین ساحت تربیت است بی توجهی شود، بی تعادلی رخ می دهد و شاهد مطالبات بی تعادل در جامعه خواهیم بود. ضعف تربیتی امروز، بی تعادلی در ساحت تربیتی و بی توجهی نسبت به همه ابعاد آن است.

ایکنا- کدام روش های تربیتی تأثیرگذاری بیشتری دارند؟

چند روش وجود دارد که اگر نباشد تربیت به بی راهه کشیده می شود؛ یکی از این روش ها اصل آگاهی بخشی است. متأسفانه در بسیاری از ابعاد اصل آگاهی بخشی تربیت مغفول مانده است. گاهی مادران به من مراجعه می کنند و می گویند فرزند من فلان مشکل را دارد؛ اما وقتی از آنها می پرسیم که آیا با فرزندتان در این زمینه صحبت کردید و او را از ابعاد مختلف این موضوع مطلع کرده اید، پاسخ منفی دریافت می کنم. آگاهی از روش های مختلف گفت وگو، دیدن و یادگیری، مطالعه و... رخ می دهد. یکی از خطراتی که در جامعه احساس می شود این است که پیش از اینکه به بچه ها آگاهی دهیم آنها وارد محیط اجتماعی می شوند. وقتی بچه ها در موضوعی ضربه خوردند، تازه می خواهیم او را آگاه کنیم. اصل تدریج هم بسیار مهم است. آگاهی برای متربی باید به صورت تدریجی باشد و سپس آن را ارتقا دهیم تا مشکلات کمتری پیش بیاید.

روایتی از پیامبر(ص) وجود دارد که می فرمایند «فرزندان خود را نسبت به مبانی دینی آگاه کنید قبل از آنکه گروه مرجعه بر شما پیشی گیرند». منظور از گروه مرجعه، گروه شبهه افکن است و وقتی صحبت از مبانی دینی می شود منظور نماز، روزه و احکام دینی نیست بلکه هر آنچه که در دین به عنوان روش زندگی مطرح است را باید به فرزندانمان آموزش دهیم. قبل از ورود به شبهه باید اقدام کرد چراکه وقتی کودک و یا نوجوان درگیر شبهه شود، نجات آنان دشوار می شود. اینجاست که ما در آگاهی بخشی ضعیف عمل کردیم.

در اصل تدریج نیز باید دقت عمل بیشتری داشته باشیم. اگر مفهومی در ۱۰ سالگی فرزند بیان شد، نیاز است که در سنین بالاتر هم دوباره این آگاهی را با اطلاعات بیشتر به او منتقل کنیم.

موضوع مهم بعدی در روش های تربیتی وجود زبان مشترک با متربی است. برای مثال در مسئله تفاوت نگاه به «همسر» میان پدر و مادر و فرزند باید به سابقه این موضوع نگاه داشت. گاهی فرزند اصلاً در مورد مؤلفه های همسر ایده آل نکاتی را از سوی والدین خود دریافت نکرده است و وقتی گروه مرجعه پیشی گرفتند و ذهنیت دیگری را برای او ایجاد کردند درصدد تصحیح این جریان برمی آییم. در این میان خانواده ها در توجیه چرایی این کاستی گفت وگو به دلایلی همچون مناسب نبودن زمان، تعارفات موجود و... اشاره می کنند، در صورتی که این گفت وگو باید در رابطه با موضوعات متنوع مطرح شود و در هر سن با توجه به نیاز

محبت کردن ستون خیمه تربیت است ولی در تربیت به خطا رفته و بسیار آسیب خورده است. بعضا معنای محبت با خدمت رسانی جا به جا شده است. گاهی والدین تصور می کنند اگر می خواهند به فرزند خود محبت کنند، باید سرویس دهی بیشتری برای فرزندشان داشته باشند و امکانات متعددی را در اختیار فرزند خود قرار دهند؛ اسم این اتفاق اصلاً محبت نیست، بلکه آسیب زنده به امر تربیت است. بنابراین اگر به درستی از محبت استفاده شود، اصل تدریج، آگاهی بخشی و زبان مشترک نیز به وجود خواهد آمد.

وقتی پدر و مادر زمان های عاطفی را با فرزندان خود طی می کنند، در این شرایط فضای محبت آمیز در حال شکل گیری است. این فضای عاطفی از دوران کودکی با بازی کردن و در نوجوانی با گفت و گو و اختصاص زمان مشترک قابل تعریف است. وقتی صحبت از محبت می شود خلط و خطاهایی رخ می دهد؛ برای مثال پیامبر(ص) می فرمایند «فرزندان خود را بیوسید». این در حالی است که گفته نشده تا زمانی که فرزندان کودک هستند آنها را بیوسید بلکه گفته شده است فرزندان خود را بیوسید. بوسیدن یک مصداق عاطفی نسبت دیگران است. ممکن است بوسیدن در آغوش کشیدن یا محبت کلامی باشد اما مصداق محبت کردن، بوسیدن است. بوسیدن باید از روی احساس و عاطفه باشد نه از روی انجام وظیفه. بی تعادلی در تربیت یعنی اینکه وقتی از پدری پرسیده می شود آخرین باری که با دختر خود ارتباط عاطفی برقرار کردی چه زمانی بوده؟ پاسخ می دهد از زمانی که سن و سال دخترم بالا رفت و خانم شد؛ دور از حیا بود که با دخترم ارتباط عاطفی برقرار کنم یا او را بیوسم و یا در آغوش بگیرم و دو نفری حرف بزنیم؛ این مثال مصداق اصلی بی تعادلی در ساحات تربیتی است زیرا می خواهیم بعد اعتقادی را قوی کنیم در نتیجه از بعد دیگری فاصله می گیریم. بنابراین اگر در جامعه ناهنجاری هایی وجود دارد باید مشاهده کرد که در تربیت چه کرده ایم.

ایکنا- بزرگترین ضعف و غفلت در عرصه تربیت چیست؟

ما به تربیت در تمام ساحات آن توجه نکردیم و گزینشی عمل کردیم. همچنین ما در روش های تربیتی نیز کم و کاستی زیاد داشتیم. از همه مهم تر اینکه زندگی باید منجر به وصول حیات طیبه شود و این اتفاق نمی افتد مگر طبق گفته قرآن کریم ایمان داشته و عمل صالح انجام دهیم.

بعد توحیدی در ایمان بسیار مهم است و باید به روح توحیدی در هر لحظه از تربیت توجه کنیم. برای مثال در موضوع زیبایی شناختی با افزایش میزان عمل های جراحی زیبایی و استفاده از ابزار آرایشی مواجه هستیم و گاهی دختران نوجوان و جوان ما تمایل بیش از حدی در استفاده از این موارد دارند. علت اصلی در این میان ضعف در تربیت و نگاه توحیدی ماست. وقتی مادر تعریف صحیحی از زیبایی در خانواده ارائه ندهد و ذهنیت اشتباه را از کودکی برای فرزند خود ترسیم کند به احساس زیبایی شناسی فرزند خود لطمه وارد می کند. اما اگر از کودکی خداوند را برای فرزندانمان زیبا آفرین معرفی کنیم و یادآور صفت جمال خداوندی شویم، او را خالق زیبایی ها بدانیم و مفهوم زیبا بودن را منتسب به همگان بدانیم، در بزرگسالی فرزندانمان با مشکلات عدیده در مورد ظاهر و چهره مواجه نمی شوند.

توجه به روح توحیدی رسیدن به حیات طیبه را برای ما بسیار هموارتر می کند و لازم است که در تربیتی دینی همواره آن را لحاظ کنیم و این امر منوط به آن است که در گام اول والدین پیش از به دنیا آوردن فرزند و مربی پیش از مربی شدن به این اصول واقف باشد و خود را در مسیر تربیت دینی قرار دهد و در این مسیر تلاش کند. روح تربیت دینی توحید است و مغز آن محسوب می شود اما گاهی ما در پوسته ها باقی می مانیم.

اگر دین را به گردو تشبیه کنیم باید بگوییم که یک پوسته سبز دارد که جذابیتی برای خوردن ندارد اما کارکرد آن این است که از گردو محافظت و زمینه رشد را برای او مهیا می کند. وقتی دست ما به پوست می خورد و سیاه می شود هم برخی گمان می کنند که ما گردو خوریم. احکام نیز به همین شکل است. احکام پوسته اولیه دین است. گاهی جذابیت ندارد و دارای دشواری هایی نیز است اما اثر فوق العاد دارد و اجازه ورود آفت به دینداری ما را نمی دهد. گاهی نیز افراد تصور می کنند اگر احکام را رعایت کنند دین دار شدند یا فلان فرد که احکام را رعایت می کند حتماً مؤمن است؛ در صورتی که اینگونه نیست؛ مؤمن کسی است که تمام این راه ها را به اندازه خود رفته باشد.

مرحله دوم اخلاقیات است. اخلاقیات پوسته چوبین گردو است. برای داشتن یک گردوی زیبا باید ظرافت و اصول شکستن گردو را بدانیم. اخلاق نیز همین ویژگی را دارد باید بدانیم که کجا، برای چه کسی و در چه زمانی، چگونه عمل کنیم.

نکته آخر مغز شیرین گردو است که همان موضوع اعتقادی ما یعنی توحید است. اگر در ساده ترین امور دینی خود از این عمق بی

بهره باشیم، فقط با پوسته سرگرم شدیم و در واقع به عمق دین نرسیدیم. روح توحیدی همواره باید در تربیت لحاظ شود.

پیامبر(ص) در اواخر عمر خود فرمودند: من از شرک امتم در آخرالزمان می ترسم. صحابه عرضه کردند شما می فرمایید امت آخرالزمان من، چگونه مسلمان می تواند مشرک باشد. ایشان می فرمایند تشخیص شرک از راه رفتن مورچه سیاه روی سنگ سیاه در شب سیاه دشوارتر است. ما مسلمانیم و قرآن را کتاب آسمانی خود می دانیم اما گاهی روح وحدانیت در امور زندگی ما کمرنگ و شرک به ما نزدیک می شود.

ایکنا - سخن پایانی

امام سجاد(ع) می فرمایند: خداوندا مرا تربیت کن. باید از خداوند بخواهیم در مسیر الهی، تربیت دینی داشته باشیم و این فرصت را برای متربیانی که با ما در ارتباط هستند نیز ایجاد کنیم.

گفت وگو از فاطمه بختیاری